



یادداشت

سال به سال دریغ از پارسال از این همه فقر و بیداد!

صادق کار



در هفته گذشته در حالی که افزایش قیمت کالاهای اساسی به حدی بالا رفته بود که کمتر کسی توان خرید آنها را داشت و در اوج اعتراضات کارگری سراسری که خواست اصلی شان افزایش دستمزد و حقوق بود، مجلس و دولت پس از مدت‌ها کشمکش بر سر حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی اختصاص یافته به خرید کالاهای اساسی به توافق رسیدند که از اول سال آینده اختصاص ارز ترجیحی به کالاهای اساسی را پایان دهند. با این اقدام گام بزرگی در جهت اجرای سیاست آزاد سازی قیمت‌ها و تسریع شوک درمانی شروع شد.

در همان لحظاتی که خبر این تصمیم اطلاع رسانی می شد گزارشات متعددی نیز مبنی بر خلوتی و سکونی که در ایام عید بازار را در خود فرو برده بود منتشر می شد. علت خلوتی بی سابقه معلوم بود، بی پولی مردم و گرانی کالاها.

ناراحتی و غم در چهره ها هویداتر از آن بود که بتوانند پنهان اش کنند. مشتری و کاسبکار همه ناراحت افسرده هستند. از شادی و شور نوروزی و بهاری خبرچندانی نیست. این را گزارشها نشان می دهند. در طول ۴۳ سال گذشته هرگز در ایام عیدی مردم این همه تنگ دست و فقیر و غمگین و افسرده نبوده‌اند. عیدی و تفحه حکومت برای مردم گرانی و دلشوره بیشتر بود. با کاهش عیدی های و دستمزد و حقوق کارمندان و کارگران شروع کردند و با برداشتن ارز ترجیحی ضربه سنگین دیگری بر معیشت مردم وارد کردند.

عده‌ای از نمایندگان مجلس فرمایشی ادعا دارند با حذف ارز ترجیحی به صورت مشروط موافقت کرده‌اند و گویا شرط مجلس اختصاص کالا برگ برای کاهش فشار بار مالی طرح روی مردم هستند. اما دروغ می گویند.

شایع است که خامنه‌ای پس از بروز اختلافات اولیه میان دولت و مجلس بر سر این قضیه جانب دولت را گرفته و خواهان موافقت مجلس با حذف ارز ترجیحی شده است. فارغ از اینکه این شایع صحت داشته باشد و یا نداشته باشد، واقعیت این است که نظر به مواضع تا کنونی خامنه‌ای او خودش مایل به حذف ارز ترجیحی و آزاد سازی قیمت‌ها بوده و بدون اذن وی این تصمیم گرفته نشده است. دولت و مجلس اساساً در موقعیتی نیستند که خودشان بتوانند تصمیمی اخذ کنند.



اما از آنجا که خامنه‌ای نگران پیامدهای آن نیز بوده مانند قضیه گرانی بنزین به صلاح خود ندیده که علنی در این کار دخالت کند تا اگر قضیه بیخ پیداکرد مانند قضیه بنزین توی هچل نیفتد و بتواند تقصیر را به عهده مجلس و دولت بیندازد. که البته این کلک های تکراری لو رفته خامنه‌ای کسی را گمراه نخواهد کرد.

حذف ارز ترجیحی آنهم در شرایطی که هنوز ارز حذف نشده موج بیسابقه‌ای از گرانی فزاینده گریبان مردم را در چنگال خود گرفته یقیناً نمی تواند برنارضایتی ها و اعتراضات اجتماعی و معیشتی متاثر از گرانی و تورم دامن نزند.

بی جهت نیست که حتی اکثر رهبران اتاق های بازرگانی به رغم اینکه بطور کلی همیشه مخالف این قضیه بوده و هستند، شرایط کنونی را برای حذف ناگهانی کل ارز ترجیحی مناسب و به نفع نظام نمی دانند و نظرشان را علناً بیان می کنند.

یعنی در واقع علاوه بر اکثریت بزرگی از مردم که از حذف یارانه ارزی کالاهای اساسی آسیب جدی می بینند، بخش عمده سرمایه داران نیز باحذف آن مخالفند و خواهان حذف تدریجی و پلکانی آن هستند و آنها هم از این تصمیم عجولانه و نسجیده البته نه به اندازه مزدبگیران و بی چیزان شهری و روستایی حداقل در کوتاه مدت زیان می بینند.

حسن مرعشی رئیس حزب کارگزاران سازندگی، حزبی که در واقع از احزاب کارگزار صاحبان سرمایه است در بحبوحه داغ شدن بحث حذف ارز ترجیحی در میان صاحبان سرمایه از حذف ناگهانی ارز ۴۲۰۰ تومانی ابراز نگرانی کرد و خواهان آزاد سازی قیمت ها و حذف سوبسید ها بصورت تدریج برای اجتناب از شورش و خیزشهای اجتماعی به سیاق دولت خاتمی شد. آری بخش عاقبت اندیش تر سرمایه داری هم خواهان آزاد سازی قیمتها و حذف سوبسیدهاست، منتهی نمی خواهد آزاد سازی و شوک درمانی به شکلی انجام گیرد که پایه های قدرت اش را تهدید کند.

از فردای سال نو قیمت کالاهای اساسی آن چنان بالا خواهد رفت که دسترسی اکثریت سه چهارم جمعیت زیر خط فقر و فقر مطلق که هم اکنون نیز از تامین نان روزانه شان در مانده هستند، امکان پذیر نخواهد بود. بخصوص زمانی که دستمزدها و حقوق های کارگران و کارکنان دولت را نیز حاضر نشده‌اند متناسب با افزایش قیمتها و تورم افزایش دهند. اما از حکومتی که رئیس جمهور اش فرمان از بین بردن فقر مطلق ظرف چند هفته را می دهد و یا تولید سه نوع خودرو در سال آینده را از مدیر کارخانه می خواهد، نمی شود انتظار داشت که مرتکب اعمال ابلهانه نشود و به عواقب سیاست های خود و مصیبت هایی که بر سر مردم می آورد لختی بیندیشد.

اذعان هفته های اخیر معاون وزیر صمت، وزیر کشور و وزیر اقتصاد در مورد گرانی و سیاست دولت در برخورد با آن ها پیش درآمد تاکتیکی است که قرار است در توجیح موج گرانی های بعد از آزاد سازی قیمتها برای منحرف کردن افکار عمومی بکار گرفته شود.

معاون وزیر صمت با تأیید رشد ۱۲۰ درصدی ۸۴ هزار قلم کالا گفت، افزایش قیمت اساسی ممنوع شده است. وزیر کشور گفته است گرانی کالاها هیچ منطقی ندارد و وزیر اقتصاد وعده کاهش تورم در سال آینده را داد. حواله دادن مردم به ارزانی در سال آینده، در حالی است که کارشناسان اقتصادی و بسیاری از مدیران دولتی و نمایندگان مجلس نیز صحبت از افزایش گرانی ها در سال آینده می کنند، بی پایه و فریبکارانه بودن این وعده ها را عیان می کند.

رئیس سازمان حمایت از مصرف کنندگان نیز گفته است قیمت هیچ کالایی نباید بیش از ۳۰ درصد افزایش پیدا کنند. عده دیگری از مسئولین دولتی هم تقصیر گرانی ها را به گردن کسبه می اندازند که یک ترفند شناخته شده برای انداختن مردم به جان همدیگر و خارج کردن دولت از زیر بار مسئولیت اش است.

همه این صحبت ها در واقع تلاشی ست برای پرت کردن اذهان از موج گرانی های تازه. با این همه مردم از بس از این دروغها شنیده‌اند که گوش شان پر شده است و این حرفها اثری روی آنان نخواهد گذاشت.

افزایش قیمت ها در اثر حذف ارز ترجیحی لاجرم به اعتراضات کارگری و اجتماعی دامن خواهد زد و ای چه بسا شدت اعتراضات حکومت را مجبور به تجدید نظر در سیاست های شوک درمانی اش بنماید. در واقع راهی هم جز این پیش روی زحمتکشان وجود ندارد. فعلاً همه امید مردم به جان آمده از گرانی و فقر به توافق بر سر برجام بسته شده است. با این همه بهره مند شدن مردم از نتایج اقتصادی برجام در صورتی که توافقی صورت بگیرد، هم مستلزم آن است که نگذارند پولهای آزاد شده توسط وابستگان به حکومت به غارت برده شود و با صرف اموری شود که بهبودی در وضعیت مردم نداشته باشد و طریق آن نیز گسترش اعتراضات حق خواهانه همچون افزایش دستمزد و حقوق، اجرای رتبه بندی، اجرای همسان سازی، پرداخت مطالبات مزدی پرداخت نشده، ایجاد اشتغال ... است.

از مبارزات کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش حقیقی دستمزد و حقوق بازنشستگی حمایت کنیم!

خواست کارگران و مزد و حقوق بگیران افزایش دستمزد متناسب با هزینه های واقعی زندگی است!



کارگران جهان متحد شوید! بخش اول

(Ronaldo Munck) رونالدو مونک



جنبش کارگری معاصر که زمانی پیشاهنگ نظم نوین اجتماعی تلقی می شد، اکنون توسط بسیاری از محققان و کنشگران پیشرو به عنوان یادگاری از گذشته دیده می شود. اما آنان در اعلام آغاز پایان جنبش کارگری نباید چنین عجول باشند. جهانی سازی به جای آن که "آغاز پایان" کار سازمانیافته را دیکته کند، فرصت‌های جدیدی را برای بازیافت و تغییر دامنگستر اتحادیه های کارگری و نیز خود جنبش کارگری به ارمغان آورده است. مهمتر از همه این که جهانی شدن اتحادیه ها را واداشته تا برای تحقق همبستگی فراملی بین کشورها و بخش‌ها، خارج از فضای دولتی فکر و عمل کنند.

جنبش کارگری معاصر که زمانی پیشاهنگ نظم نوین اجتماعی تلقی می شد، اکنون توسط بسیاری از محققان و کنشگران پیشرو به عنوان یادگاری از گذشته دیده می شود. اما آنان در اعلام آغاز پایان جنبش کارگری نباید چنین عجول باشند. جهانی سازی به جای آن که "آغاز پایان" کار سازمانیافته را دیکته کند، فرصت‌های جدیدی را برای بازیافت و تغییر دامنگستر اتحادیه های کارگری و نیز خود جنبش کارگری به ارمغان آورده است. مهمتر از همه این که جهانی شدن اتحادیه ها را واداشته تا برای تحقق همبستگی فراملی بین کشورها و بخش‌ها، خارج از فضای دولتی فکر و عمل کنند. این اتحادیه گرایی فراملی نوظهور، در صورت تداوم، حاوی بذرهایی است که جنبش جهانی جدید است: یک انترناسیونالیسم جدید که فراتر از نیروی کار گسترش می یابد و همه آنانی را که برای یک گذار بزرگ در تلاش اند، در بر می گیرد.



وداع با کار؟

با توجه به وضع کنونی جنبش کارگری، فعالان مورد نظر ممکن است بپرسند "چه جنبشی؟" به واقع نیز، جنبش کارگری پرجنب و جوش گذشته - زمانی که کارگران در کشورهای صنعتی کارخانه های خود را سازماندهی کردند - با هجوم جهانی شدن نئولیبرالی فروکش کرده است. این عقب نشینی می تواند تجدید فراخوان مارکس، یعنی "کارگران جهان متحد شوید!"، را عجیب به نظر آورد، و کنگره بین المللی کارگری مؤسس نخستین انترناسیونال در سال ۱۸۶۴ را یک رؤیای دون کیشوتی بنماید. خوش بینی انترناسیونالیستی انترناسیونال دوم در پایان قرن نوزدهم و انترناسیونال سوم در اوایل قرن بیستم، دایر بر نزدیک بودن پیروزی کار، در تضاد تندی با بدبینی امروز نسبت به جنبش کارگری، و پوسته توخالی باقیمانده از انترناسیونال سوسیالیستی است. احزاب "کارگری" که زمانی وعده قدرت بخشیدن به کارگر معمولی را می دادند، اکنون غالباً در مقام عاملان ریاضت اقتصادی و متحدان سرمایه جهانی عمل می کنند.

در اواسط قرن بیستم، در حالی که ایده آلیسم انترناسیونالیستی تا حد زیادی رنگ باخته بود، نیروی کار در سطح ملی قوت گرفت. دهه هفتاد، سه دهه پس از جنگ جهانی دوم - زمانی که کارگران از حقوق و حمایت های اجتماعی قابل توجهی در آمریکا و اروپا برخوردار شدند - برای اقشار بالایی طبقه کارگر "دوران طلایی" نامیده شد. احزاب سوسیال دموکرات و حتی احزاب محافظه کار، دولتهای رفاهی قدرتمندی ایجاد کردند و کارگران در سراسر اقیانوس اطلس شمالی، همراه با کارفرمایان و دولتها، در تنظیم سیاستهای اقتصادی جایگاهی ارزشمند و تضمین شده یافتند.

در اثر مبارزات کارگری برای تثبیت خود، ایجاد همبستگی و حمایت از اعضا، انواع گوناگونی از اتحادیه ها و اتحادیه گرایی پدید آمده است. در آغاز جنبش کارگری "اتحادیه گرایی اقتصادی" غلبه داشت. این مدل، که فعالان امروزی بیشتر با آن آشنا هستند، متوجه تضمین قیمت بالاتری برای کالایی است که اقتصاددانان مارکسیست آن را "نیروی کار" می نامند. این رویه بازاربنیاد و سیاست گریز، چالش محدودی را برای وضع موجود ایجاد می کرده است. به عنوان یک بدیل، بسیاری اتحادیه های کارگری برای تحقق خواسته هایشان از طریق "اتحادیه گرایی سیاسی" به دولت روی آوردند. بدیل نهایی "اتحادیه گرایی اجتماعی" است، که در جستجوی همبستگی ممکن در پهنه جغرافیایی، الزاماً بین محلهای کار و در اجتماعات گسترده تر بوده است.

این هر سه رویکرد در دهه های ۸۰ و ۹۰ قرن گذشته شاهد افول قدرت خود بودند. گویا حرکت فرازنده کارگری در مواجهه با اختلالات ناشی از جهانی شدن متوقف شده باشد. ریاضت اقتصادی، خصوصی سازی و سیاستهای پولی ناظر بر کاهش تورم، برای اتحادیه ها در سراسر جهان ویرانی به بار آورد. جمله معروف مارگارت تاچر - "هیچ آلترناتیوی وجود ندارد" - فقط یک شعار نخبگان محافظه کار نبود، بلکه یک روحیه فراگیر در جامعه بود. با کاهش عضویت در اتحادیه های کارگری و از بین رفتن پیوند بین اتحادیه ها و احزاب سیاسی مترقی، این سؤال برای بسیاری از کنشگران و محققان مطرح شد که آیا "جنبش کارگری" هنوز وجود دارد یا خیر. مبارزه جویی اقتصاددانیان پس از جنگ جهانی دوم دستاوردهای سیاسی مشخصی به بار نیاورد، و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پیروزی سرمایه داری این احساس را به جای گذاشت که تهدیدهای قابل اتکای یک سیستم اقتصادی بدیل برای سرمایه داری در هم شکسته اند.

در نتیجه، بسیاری از فعالانی که برای تحول جهانی مبارزه می کنند، اکنون برآنند که جنبش کارگری دیگر سهم چندانی در سیاست ترقیخواهان ندارد. اما این باور نادرست است. از منظری دیگر، جهانی سازی به جای این که ناقوس مرگ کار باشد، به احیای آن کمک کرده است، اتحادیه ها را به چالش می کشد تا شیوه های جدید سازماندهی را پیشه کنند و فراتر از فضاهای دولتی بیاندیشند. اتحادیه های کارگری، به جای نگاه به درون، آغاز به پیوستن به مجموعه وسیعتری از نیروهای اجتماعی کرده اند، که در برابر ایدئولوژی بازار آزاد نئولیبرالیستی و سیاست ریاضت اقتصادی توده ها و مکننت بیشتر نخبگان، دست به مقاومت زده اند. آینده جنبش کارگری در گرو تکامل این دیدگاه سیستمی نوپاست.

از مبارزه بازنشستگان برای همسان سازی، افزایش حقوق و بیمه درمانی موثر و رایگان حمایت کنیم!



دستمزد کارگران نصف سبد هزینه بخور و نمیر خانوار

صادق



سر انجام پس از ماه‌ها موش و گربه بازی و وعده و عید های کاذب نمایندگان تشکلهای حکومتی شورای عالی کار با افزایش اسمی دستمزد حداقل بگیر ها به مقدار ۵۷،۴ درصد موافقت کرد و حداقل دستمزد پایه کارگران در سال آینده را از دومیلیون و ۶۵۵ هزار تومان به ۴ میلیون ۱۷۹ هزار تومان، یعنی حدود ۵ میلیون تومان کمتر از هزینه سبد بخور و نمیر خانوار توافق شده در شورای عالی کار تعیین کرد.

گفتنی است که این افزایش اسمی شامل حال میلیونها کارگر که از شمول قانون کار خارج شان کرده‌اند نمی‌شود. بنا بر این وضعیت دستمزد بخش بزرگتر کارگران که در کارگاه های زیر ۱۰ نفر کار می‌کنند مانند سالهای گذشته به توافق بین کارگر و کارفرما و در واقع به میزان کرم کارفرمایان بستگی تام و تمام دارد که به نوعی رجعت به قبل از سال ۱۳۲۵ است که نخستین قانون کار ایران در اثر مبارزات دلاورانه اتحادیه های کارگری به تصویب رسید.

نمایندگان تشکلهای حکومتی در شورای عالی کار که قبلا گفته بودند کف خواسته هایشان در شورای عالی کار نرخ تعیین شده سبد هزینه خانوار توافق شده در شورای عالی کار است و به کمتر از آن رضایت نخواهند داد بلافاصله در خبرگزاری ایلنا از مقدار افزایش دستمزد ابراز رضایت نمودند. این ابراز رضایت در حالی صورت می‌گیرد که چند هفته پیش یکی از رهبران کارفرمایی حقوق ۴ و نیم میلیونی را خط مرگ خوانده بود!

فرامرز توفیقی نماینده انجمن های صنفی هوادار دولت احمدی نژاد و رئیس، گفت:

"به گزارش خبرنگار ایلنا، فرامرز توفیقی در تحلیل نتایج مزدی شورای عالی کار و افزایش ۵۷/۴ درصدی حداقل مزد کارگران گفت: این نتیجه، نتیجه‌ی خوبی است؛ می‌تواند به بهبود شرایط معیشتی کارگران کمک کند اما به شرط اینکه دولت به وظایف خود به خوبی عمل کند". و علی‌خدايي نماینده شوراهای اسلامی حکومتی طرفدار حزب کارگزاران و دولت روحانی، همان کسی که در سالگرد انقلاب بهمین برای نشان دادن مخالفت خودش از گسترش بی سابقه اعتراضات کارگری برای افزایش دستمزد گفت "ما برای شکم انقلاب نکردیم" در خصوص میزان افزایش اسمی دستمزد به خبرگزاری ایلنا گفت: "جلسه سختی بود، از نتیجه رضایت نسبی داریم؛ هرچند عدد نهایی با سبد معیشت محاسبه شده تفاوت دارد و نمی‌توانیم بگوییم تامین کننده تمام نیازهای خانواده‌های کارگری هست؛ با این حال، توانستیم بخش



زیادی از قدرت خرید از دست رفته کارگران را جبران کنیم؛ فاصله سبد معیشت سال قبل و سبد معیشت امسال، ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان بود که در ارتباط با دریافتی یک خانوار متوسط، بخش زیادی از این افزایش هزینه‌های زندگی جبران شد".

ادعای علی‌خدایی مبنی بر جبران قدرت خرید کارگران یک دروغ بیشرمانه بیش نیست. چرا که میزان دستمزد اسمی حتی کمتر از هزینه سبد خانوار ۷ میلیونی سال گذشته است که خود این آقا و دیگر اعضای شورای عالی کار روی آن توافق کرده بودند. در نهایت نیز بجای ۷ میلیون روی دو میلیون و ۶۵۰ هزار تومان یعنی حدود یک سوم هزینه توافق کردند. یعنی تنها در سال گذشته یک فاصله مزدی ۴ میلیون و ۳۳۰ هزار تومانی با سبد خود این آقایان بجا ماند.

این در حالی است که هزینه‌های بخور و نمیر به گفته‌های پیشین خود خدایی به حدود ۹ میلیون افزایش پیدا کرده است که البته این رقم نیز با هزینه‌های بخور و نمیر واقعی هم تفاوت فاحشی دارد. نتیجه اینکه دستمزد امسال خلاف گفته‌های علی‌خدایی حتی پس از افزایش اسمی، ۴ و نیم میلیون تومان به عقب برگشته است!

البته از کسی که در اوج تورم و گرانی و تهی شدن سفره‌های کارگران و مزدبگیران از طعام می‌گوید "ما برای شکم انقلاب نکرديم" نمی‌شود توقعی به غیر سفسطه و فریبکاری و پشت هم اندازی داشت. واقعیت هم این است که هیچ کارگری با سابقه‌ای که از شورای فرمایشی عالی کار می‌شناسد انتظار نداشته و ندارد که رویه‌های غیر از رویه دولت و حکومت نسبت به دستمزد و معیشت کارگر داشته باشد. همین گفته در مورد فرامرز توفیقی رئیس انجمن‌های احمدی نژاد ساخته هم صادق است. حمایت او از دولت ضد کارگری رئیسی و دنبالچه‌های محافظه کار آن اظہر من الشمس است بهمین جهت از چهره‌هایی است که در رسانه‌های طرفداران دولت مورد مراجعه قرار می‌گیرد و در ماست مالی کردن سیاستهای ضد کارگری دولت از وی بهره می‌گیرند.

اظهار رضایت از دستمزدی که به زحمت کمتر از نیمی از هزینه سبد بخور و نمیر خانوار را تامین می‌کند عین فریبکاری و دودوزه بازی است که فقط از مزدوران جیره بگیر دولت بر می‌آید.

نکته مهم دیگری که در مصوبه امسال شورای عالی کار لاپوشانی می‌شود حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی اختصاص یافته به کالاهای اساسی و تاثیرات آن روی افزایش قیمت‌ها و همراه با آن سیاست آزاد سازی قیمت هاست. از وقتی که سیاست آزاد سازی شروع شده است قیمت همه کالاهای، مسکن، حمل و نقل، برق، آب، نان، سوخت، دارو به نوشته رسانه‌ها و داده‌های آماری سر به فلک کشیده است. کارشناسان پیشبینی می‌کنند که در سال آینده قیمتها خاصه اگر برجام به نتیجه نرسد و تحریمها تشدید شوند، به روند صعودی خود ادامه خواهند داد. چند برابر شدن قیمت کالاهای چون برنج، گوشت، تخم مرغ، نان، دارو و غیره ظرف سه ماهه اخیر به اندازه کافی گویای وضعیت و چشم انداز آن است. همین گرانی‌ها آن مقدار به اصطلاح افزایش دستمزد را هم اکنون بطور کامل خنثی می‌کند و روند نزولی ارزش دستمزدها همچنان ادامه پیدا خواهد کرد. قضیه آنقدر وخیم است که علیرضا محبوب دبیر کل محافظه کار حکومتی خانه کارگر که از پشت پرده تصویب دستمزد اطلاع دارد پیشاپیش اظهار بدبینی می‌کند و صحبت از سختی‌های سال پیش رو می‌کند.

با این اوصاف و نظر به تجربیات تا کنونی و مجموع جهات دستمزد مصوب شورای عالی کار دقیقاً ادامه سیاست تعدیل دستمزدهای دولت رئیسی است. دستمزدی که کمتر از نیمی از هزینه سبد بخور و نمیر تعیین شده توسط خود شورای عالی کار است. بهمین جهت نه تنها کمکی به افزایش قدرت خرید و بهبود معیشت کارگران نمی‌کند، بلکه به وخامت معیشت آنان دامن می‌زند. تصویب مصوبه مزدی که حتی خلاف ماده ۴۱ قانون کار است، بار دیگر نشان داد که افزایش حقیقی دستمزد و قدرت خرید تنها با گسترش مبارزه جمعی سازمانیافته و اعتصاب عمومی میسر می‌شود.

از مبارزه و مطالبات معلمان و فرهنگیان حمایت کنیم!

اعتصاب و تشکل جزء حقوق بدی کارگران و مزد و حقوق بگیران است!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران برای ایجاد سندیکا و تشکلهای مستقل کارگری حمایت کنیم!

متحدانه برای آزادی کارگران، معلمان و زندانیان مدنی و سیاسی مبارزه کنیم!

متحدانه علیه سیاست فقر و فلاکت آور شوک درمانی و آزاد سازی قیمتها مبارزه کنیم!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



اعتراضات همزمان بین کارکنان و کارگران یک رشته معین شغلی پدیده جدیدی است که تعدادشان هم مرتباً زیادتر می شود. پدیده‌ای که حکایت از رشد گرایش به مبارزات جمعی نزد مزدبگیران دارد و تداوم و رشد آن می تواند به اعتراضات فرا رشته‌ای و فرا کارخانه‌ای بیانجامد و راه رسیدن مزدبگیران شاغل و بازنشسته به خواسته هایشان را هموار کند. البته قبلاً به صورت ایده از طرف تعدادی از تشکلهای فعالین کارگری بر حرکت‌های جمعی اعتراضی تاکید می شد ولی عملی نمی شد. این پدیده در واقع نتیجه صرف توصیه هم نیست. نتیجه شرایط و روند مبارزات و واقعیتی است که خود را تحمیل می کند و کسی را یارای جلوگیری از آن نیست.

نخستین عقب نشینی دولت مقابل اعتراضات معلمان حق التدریسی

اعتراضات نتیجه داد

اعتراضات همه روزه معلمان حق التدریسی در دو هفته گذشته نتیجه داد و وزارت آموزش و پرورش که تا قبل اعتراضات از استخدام رسمی معلمان حق التدریسی امتناع می کرد در مقابل موج اعتراضات گامی به عقب برداشت و مجوز استخدام معلمان معترض در استان را به ادارات مربوطه ابلاغ کرد.

به گزارش کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان:



"وزارت آموزش و پرورش در بخشنامه ای به ادارات کل آموزش و پرورش استان های کرمان، کرمانشاه، کردستان، کهگیلویه بویراحمد و گلستان مجوز صدور احکام معلمان حق التدریس و آموزشیاران نهضت که دوره های مهارت آموزی را با موفقیت پایان رساندند را ابلاغ کرد.

بر اساس این بخشنامه تاریخ اجرای احکام برای افرادی که در حال حاضر اشتغال به کار ندارند، در صورت اتمام دوره مهارت آموزی و تایید هسته گزینش، ۱۴۰۰/۷/۱ و افرادی که در حال حاضر اشتغال به کار دارند، از ۱۴۰۰/۱۲/۱ خواهد بود."

روزانه شدن اعتراضات خیابانی بازنشستگان

اعتراضات خیابانی گروه های مختلف بازنشستگان در این هفته باز هم شدت گرفت و به یکشنبه های اعتراضی محدود نماند. در این هفته در چند روز پیاپی اعتراضات متعددی در تهران و چند شهر دیگر توسط بازنشستگان مخابرات انجام گرفت. بازنشستگان هما نیز در دروز پیاپی دست به اعتراض زدند.

بازنشستگان موسسات دولتی نیز در هفته های اخیر بیشتر و بیشتر به اعتراض خیابانی روی آورده اند و مانند بازنشستگان تامین اجتماعی رسیدن به خواسته هایشان را از طریق اعتراض گسترده و همزمان خیابانی دنبال می کنند.

بازنشستگان تامین اجتماعی در ۱۵ اسفند بطور همزمان در شهرهای اراک، تبریز، رشت، شوش کرمان، کرمانشاه، قزوین شوش، شوشتر، اردبیل و اهواز تجمع اعتراضی داشتند. بازنشستگان صنعت فولاد نیز در همین تاریخ در شهرهای اصفهان، اهواز، تهران و دامغان بار دیگر به روال یکشنبه های اعتراضی در مقابل دفاتر صندوق بازنشستگی فولاد تظاهرات کردند.

در تظاهرات این هفته بازنشستگان علاوه بر خواسته هایی قبلی شان خواستار حداقل دوماه حقوق بابت عیدی شدند و اعتراض خود نسبت به کاهش عیدی امسال را بیان نمودند.

اعتراضات همزمان بین کارکنان و کارگران یک رشته معین شغلی پدیده جدیدی ست که تعدادشان هم مرتباً زیادتیر می شود. پدیده ای که حکایت از رشد گرایش به مبارزات جمعی نزد مزدبگیران دارد و تداوم و رشد آن می تواند به اعتراضات فرا رشته ای و فرا کارخانه ای بیانجامد و راه رسیدن مزدبگیران شاغل و بازنشسته به خواسته هایشان را هموار کند. البته قبلاً به صورت ایده از طرف تعدادی از تشکلهای فعالین کارگری بر حرکت های جمعی اعتراضی تاکید می شد ولی عملی نمی شد. این پدیده در واقع نتیجه صرف توصیه هم نیست. نتیجه شرایط و روند مبارزات و واقعیتی است که خود را تحمیل می کند و کسی را یارای جلوگیری از آن نیست. در جریان اعتراضات این هفته وجود این پدیده نمایانتر شد. آنرا به فال نیک بگیریم و مقدم اش را گرامی بدریم که هم می تواند راهگشا و هم کار گشا باشد.

اعتراض کارگران پتروشیمی آبادان

کارگران پتروشیمی آبادان در ۱۴ اسفند در اعتراض به امتناع کارفرما از اجرای درست طبقه بندی مشاغل و عدم اجرای وعده های داده شده در جریان اعتراضات قبلی در مقابل ساختمان اداره مرکزی شرکت تجمع و خواستار اجرای درست طبقه بندی مطابق قانون شدند و گفتند تا به خواسته هایمان نرسیم دست از اعتراض بر نخواهیم داشت.

گفتنی است با وجود بیش از دو سال از ابلاغ اجرای طبقه بندی در شرکت های پیمانکاری نفتی توسط مدیریت وقت شرکت نفت و وقوع ده ها اعتصاب و اعتراض در بسیاری از این شرکتها، کارفرمایان از اجرای قانون طبقه بندی مشاغل به گونه ای که در قانون آمده طفره می روند و با سرهم بندی کردن طرح طبقه بندی در عمل همچنان از اجرای آن طفره می روند.



عقب نشینی پیمانکاران نفتی

به دنبال اعلام دور تازه‌ای از اعتصاب در شرکت‌های نفتی و پتروشیمی و شروع اعتصاب در تعدادی از این واحدها، بنا به گزارش کانال شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، کارفرمایان که پرداخت دستمزد و حقوق ۳ ماه آخر سال کارگران شان را به بعد از عید موکل کرده بودند، از تصمیم خود عقب نشستند و شروع به پرداخت بخشی از حقوق و دستمزد کرده‌اند تا مانع گسترش اعتصاب شوند.

متن گزارش کانال کارگران پیمانی:

ادامه اعتصاب همکاران پروژه‌های شاغل در پتروشیمی بوشهر، پیمانکاران عقب می نشینند

امروز ۱۶ اسفند همکاران پیمانی ما در شرکت ساتراب که در استخدام پیمانکاری راکی هستند و نیز در شرکت ستاره تراز شاغل در پتروشیمی بوشهر بر اساس فراخوان از قبل اعلام شده و در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد دیماه و بهمن ماه که پیمانکاران قصد موکول کردن این پرداختی‌ها را به سال آتی دارند برای دومین روز در اعتصاب بودند. بنا بر خبر بدنبال اعتصاب همکاران در شرکت لیموچی، پیمانکار آنجا ناگزیر به پرداخت دیمان شد و وعده پرداخت مزد بهمن ماه در بیست و سوم اسفند را داده است. از کارگاههای دیگر نیز خبر میرسد که پیمانکاران سراسیمه شده و قول پرداخت طلبهای همکاران را داده‌اند. این سراسیمگی‌ها نشانگر قدرت متحد ما کارگران است. دستمزدهای معوقه و حق عید و پاداش باید بطور کامل تا پایان سال پرداخت شود. این خواست فوری ما کارگران است در همه جا.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

۱۴ اسفند ۱۴۰۰

کارگران برق نکا هم به معترضین دستمزد پیوستند

کارگران نیروگاه برق نکا که از اندک بودن دستمزدهای خود ناراضی و نسبت به آن معترض‌اند، در ۱۵ اسفند با تجمع مقابل استانداری مازندران در ساری خواهان افزایش دستمزد و یک رشته مطالبات صنفی دیگر شدند.

پرداخت نشدن منظم و به موقع مطالبات مزدی، عیدی، رد نکردن حق بیمه که منجر به قطع استفاده از درمان و دارو شده است، از علل دیگر این اعتراض ذکر گردیده.

اعتصاب و اعتراض کارگران سد دز در اندیمشک

به گزارش کانال سندیکای کارگران هفت تپه پرسنل سد و نیرو گاه دز در ۱۶ اسفند در اعتراض به بیکاری گسترده در محل و عدم استخدام نیروهای بیکار بومی و استخدام نیروهای غیر بومی اعتصاب و تجمع کردند و خواستار اولویت دان به بیکاران بومی هنگام استخدام پرسنل شدند.

گفتنی ست اعتراض علیه استخدام کارگران غیر بومی در سالهای اخیر به علت بیکاری انبوه گسترش یافته است. شواهدی نیز وجود دارد که نشان می‌دهند کارفرمایان و مدیران برای انداختن تفرقه میان کارگران بومی و غیر بومی و جلوگیری از همبستگی و اعتراض کارگران به هنگام استخدام و عزل و نصب‌ها بهره می‌گیرند تا اختلاف طبقاتی را به اختلاف قومی قابل کنترل تبدیل کنند. این در حالی ست که هم کارگران بومی و هم غیر بومی در محل کار منافع مشترک دارند.

بجای پای سفره هفت سین ایستادن پای اعتراض در خیابان



اعتراضات متنوع دیگری عمدتاً نسبت به کاهش عیدی کارگران در موسسات دولتی، پرداخت نکردن منظم و به موقع عید و دیگر مطالبات مزدی، رد نکردن حق بیمه، و افزایش ۱۰ درصدی اسمی دستمزد کارگران در موسسات دولتی در شهرهای مختلف و توسط کارگران شهرداری های تبریز، شوش، لوشان، رشت، ساوه، آتش نشانان کرج و کارگران شهرداری کوه عبدالله در این هفته انجام گرفت. به گفته یکی از کارگران شهرداری تبریز، امسال گویا شب عید را هم کارگران قرار است با جیب خالی بجای نشستن پای سفره هفت سین در خیابانها سر کنند!

تجمع کارگران ترانسپورت سنگین شرکت معدنی و صنعتی چادر ملو به دلیل مطالبات مزدی پرداخت نشده طی ۱۲ ماه گذشته مقابل دفتر ارتباطات قوه قضائیه جهت رسیدگی به مطالبات پرداخت نشده شان توسط کارفرما.

و از سرگیری اعتراضات کارگران مجتمع فولاد بوتیای ایرانیان به دلیل خلف وعده کارفرما با تعلل در رد کردن حق بیمه کارگران ادامه تبعیضات مزدی و امتناع از اجرای توافقات اش با کارگران از اعتراضات دیگر هفته بودند.

اعتصاب کارورزان پزشکی سه بیمارستان

کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران از ۱۶ اسفند اعتصابی را شروع کرده اند که همچنان ادامه دارد. علت اعتصاب پرداخت نکردن حقوق کارورزان طی ۱۱ ماه گذشته و تقاضا برای افزایش حقوق است. کارورزان که در بیمارستانهای فیروزگر، فیروزآبادی و حضرت رسول کار می کنند، می گویند بدون پول ادامه کار و تامین حداقل نیازهای زندگی برایشان مقدور نیست. حقوق کارورزان پزشکی که سال آخر دوره پزشکی را می گذرانند مبلغ بسیار اندکی است که آن هم به موقع داده نمی شود. رزیدنت ها علاوه بر افزایش ۵۰ درصد حقوق خواستار پرداخت ۲۵ درصد کمک هزینه خود که پرداخت نمی شود هم هستند.

اعتصاب کارگران در سایپا

کارگران قالب های صنعتی سایپا در ۱۸ اسفند در اعتراض به پرداخت نشدن منظم و به موقع مطالبات مزدی شان و دستمزدهای زیر خط فقر اعتصاب کردند. کارگران معترض خواستار پرداخت مطالبات و افزایش دستمزد و پایه حقوق خود شدند. گفتنی ست در این کارخانه صنعتی ۲۰۰۰ کارگر کار می کنند که با وجود فنی و مستمر بودن مشاغل شان به صورت پیمانی و شرکتی هستند. کارگران همچنین نسبت به اینکه هر وقت اعتراض می کنند از طرف مدیریت تهدید به اخراج می شوند اعتراض دارند.

دولت باید به همه بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!

ایجاد اشتغال برای بیکاران وظیفه دولت است!

متحدانه برای آزادی کارگران، معلمان و زندانیان مدنی و سیاسی مبارزه کنیم!

متحدانه علیه سیاست فقر و فلاکت آور شوک درمانی و آزاد سازی قیمتها مبارزه کنیم!



تجمع اعتراضی کارگران دولتی علیه افزایش دستمزد ۱۰ درصدی مقابل شورای نگهبان



اعتراض کارکنان جهاد کشاورزی علیه افزایش ۱۰ درصدی حقوق



شکستن طلسم وثیقه توسط اعضای شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان!

آزادی معلمان بازداشتی، محمود بهشتی لنگرودی،

محمود صدیقی پور

حسن نظریان

امیرحسین آقاجان پور

بهرام بخشی پور

مسعود فرهیخته، در رودسر بدون دادن تعهد و سپردن وثیقه آزاد شدند.

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فداییان خلق) را می توانید**

در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>